

بچه‌ها



گفت‌وگو با دکتر مجید علیزاده، مدیر موزه لانه جاسوسی (سفارت سابق) آمریکا و رئیس بنیاد استخبارشناسی

دعوتید به تنها موزه سیاسی جهان!

گفت‌وگو «جام جم»
با وحید اسداللهی، پدر نقاره ایران

جشنواره فجر، راهم راهموار کرد

۱۱ | <

نکاتی درباره اختتامیه
چهل و دومین جشنواره فیلم فجر

شب شگفتی‌های داوری

۱۰ | <

گزارش «جام جم» از فصل پنجم برنامه مذهبی شبکه ۳ سیما

ضيافت شعبانیه در حسینیه معلی

۶ | <

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

کودتای سیاه ۱۲۹۹



و آگاهی کامل داشتند که با چنین نیرو و رهبرانی، قدرت

استعمار انگلیس در منطقه به شدت آسیب‌پذیر خواهد بود و هر لحظه برپایی جنبش و نهضتی به رهبری روحانیت، منافع آنها را به خطر خواهد انداخت. در واقع آنان در تحلیل‌های شان به این نتیجه رسیده بودند که اسلام و روحانیت آن، بزرگ‌ترین و عمده‌ترین خطری است که منافع استعمار را می‌تواند به خطر افکند و از آن مهم‌تر و اساسی‌تر، بزرگ‌ترین عامل وحدت بین توده‌های مردم است. از همین روی سیاست تازه در پیش گرفتند که برخلاف روش‌های کهنه استعمارگرانه انگلیسی بود.

روشی مبتنی بر تضعیف حکومت قاجار و استقرار حکومتی دست‌نشانده و عروسکی که به طور کامل دستورات و منویات آنان را پیاده کند.

حکومتی که با توجه به خصوصیات سنتی خاندان قاجار و ضعف و بی‌اعتباری آنها، توسط خاندان و حکومت قاجار عملی نبود، لذا در صدد انجام کودتا برآمدند.

این کانون‌های جهان وطن معین، در سال‌های پس از جنگ اول جهانی از اقتدار بی‌سابقه‌ای در ساختار دولت‌های غربی و به خصوص انگلیس برخوردار شده بود. این کانون‌ها را طبق عرف رایج در فرهنگ سیاسی معاصر، «صهیونیستی» می‌خوانند و از این واژه معنای عام آن را در نظر دارند که شامل صهیونیسم ماقبل هرتزل نیز می‌شود و در ترکیب آن هم یهودیان

در زمان کودتای سیاه رضاخان سید حسن مدرس هم در اندیشه ایجاد یک نهضت اسلامی بود و براساس همین اندیشه هیات «اتحاد اسلام» را تشکیل داده بود

وابسته کانون‌های یادشده) نام دارد. به نوشته محمود طلوعی، روزنامه‌نگار، ژنرال آبرونساید نیز در خاطراتش اشاره کرده که آشنایی قبلی او با رضاخان از طریق یکی از پارسیان هند به نام «اردشیر جی ریپوتر» صورت گرفته است. دنیس رایت، سفیر انگلیس در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، برای نخستین بار در کتاب خود تحت عنوان «انگلیسی‌ها در میان ایرانیان»، این موضوع را فاش کرده و می‌نویسد که اردشیر ریپوتر برای اولین بار در سال ۱۹۱۷ با رضاخان آشنا شد و در جریان ماموریت آبرونساید در ایران نیز به وسیله او به ژنرال انگلیسی معرفی شد.

بعدها در مجموعه «اسناد رضایی‌لوی»، نامه فرزند ژنرال آبرونساید به لندن و نایب‌السلطنه هند، همکاری نزدیک همکاری نزدیک اردشیر ریپوتر و آبرونساید به عنوان عوامل مستقیم کانون‌های صهیونیستی و استعماری در روی کار آوردن رضاخان و رژیم پهلوی پرده برداشته بود. اردشیر ریپوتر در بخشی از خاطراتش در مورد نقش خود در کودتای ۱۲۹۹ به وضوح توضیح می‌دهد:

«...در این مرحله به دستور وزارت جنگ (وینستون چرچیل) در لندن و نایب‌السلطنه هند، همکاری نزدیک ژنرال آبرونساید (فرمانده نیروهای نظامی انگلیس در خاورمیانه) و من آغاز گردید. من برای... رضاخان... اعتبار فراوانی قائل بودم و سرانجام او را به آبرونساید معرفی کردم...»

ژنرال آبرونساید خود در خاطراتش می‌نویسد: «...با رضافت وگو کردم و ماموریتش را به او تفهیم کردم و با او شرط کردم که به بریتانیا خیانت نکند... رضا با خوشرویی پذیرفت. من دست او را فشردم و به اسمایس گفتم، بگذار به تدریج راه بیفتد...» آبرونساید همچنین به تعیین روز کودتا اشاره می‌کند: «...گفت وگوهایم با رضا را به نورمن (وزیر مختار انگلیس در ایران) گفتم و با او ترتیب دادم تا تاریخ روزی را قطعی کند که... عملیات کودتا را شروع کنند...» به این ترتیب کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ توسط کانون‌های صهیونیستی (بهائیت و فراماسونری) طرح ریزی شد، به وسیله دستگاه سیاسی - نظامی انگلیس عملی شد و با نیروی قزاقان به سرکردگی رضا میرینج به اجرا درآمد تا پایه‌های رژیم برای اهداف بلندمدت صهیونیسم جهانی ریخته شود. رژیمی که در اس اهدافش انزوای اسلام در سرزمین ایران را مدنظر داشت که مقدمه آن، انزوای روحانیت و علما به شمار می‌آمد.

اشاره به این مطلب را عبدا... مستوفی (یکی از کارگزاران رژیم پهلوی) صریحا در کتاب دوجلدی خود به نام «شرح زندگانی من» آورده که در ابتدای سلطنت رضاخان، انگلیسی‌ها ماموریت مبارزه با روحانیت را مهم‌ترین برنامه وی قرار می‌دهند.

جشنواره موسیقی فجر چرا کوچک می‌شود؟

این روزها، برخی به مدت زمان کوتاه جشنواره موسیقی فجر که در طول سالیان اخیر از ۱۰ به هشت و از هشت به شش روز تقلیل یافته است، انتقادهایی را روا داشته‌اند؛ علی‌الخصوص آن‌که جشنواره موسیقی فجر برای امسال قرار است در یک بازه پنج روزه برگزار شود و همین اتفاق، میزان انتقاد دلسوزان موسیقی را تا حدود زیادی بیشتر کرده است. این انتقادات از موضوعی بقیق و از زاویه‌ای دیگر چندان محل پرداخت ندارد. جشنواره موسیقی فجر، شاخه‌های متعددی را شامل می‌شود که از موسیقی سنتی و پاپ گرفته تا سرود، زنان، نواحی و... گسترده است. هر یک از این شاخه‌ها، مخاطبان خاص خود را دارد و طبیعی است که برای پرداخت بهتر به این شاخه‌ها، باید زمان کافی را به گروه‌ها و فعالان آن اختصاص داد که بتوانند در تخصصی‌ترین رویداد این حوزه، عرض اندام کرده تا علاوه بر یک اجرای حرفه‌ای، بحث‌هایی چون اعتلای فرهنگی یا فرهنگ سازی گسترده و جذب حداکثری برای علاقمندان به این شاخه‌ها در مطلوب‌ترین شکل ممکن خود رقم بخورد.

از سوی دیگر، تعدد سال‌ها و تالارهای درگیر با این اجراها، این امکان را به مدیران جشنواره می‌دهد تا شاخه‌های مختلف را به موازات یکدیگر پیش برده و زمان کافی را در اختیار آنها قرار دهند. بنابراین با این نگاه، هم می‌توان به منتقدان افزایش روزهای جشنواره موسیقی حق داد و هم چندان پشت مدیران جشنواره را در اتخاذ این تصمیم خالی نکرد اما نکته‌ای که حائل این دو نظر وجود دارد آن‌که جشنواره موسیقی فجر، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین رویداد موسیقایی کشور است که اتفاق‌های خوشایند بسیاری را در هر دوره خود رقم می‌زند. بنابراین چندان برای پرنسپب جشنواره و پیروسه اجرایی شدن اهداف عمیق آن شایسته نیست که بخواد طی پنج روز برگزار شود آن هم در شرایطی که جشنواره‌هایی چون فیلم یا تئاتر فجر طی ۱۰ روز و تجسمی نیز طی ۲۰ روز برگزار می‌شود. این رویکرد در شرایطی که موسیقی از اهمیت بسزایی برخوردار است و گستردگی مفهومی بسیاری دارد، ضریب می‌خورد و دامنه توقعات را بیشتر می‌کند.



البته در این میان، بحث‌هایی چون اقتضات مالی مطرح است و این‌که بودجه کنونی شاید اجازه برگزاری تعداد روزهای بیشتر را به جشنواره ندهد که در این زمینه هم باید اذعان کرد چطور جشنواره‌های دیگری می‌توانند طی ۱۰ و ۲۰ روز برگزار شوند و آن وقت برای موسیقی، محدودیت بودجه مطرح است؟ آن هم جشنواره‌ای که با فروش بلیت علی‌الخصوص در بخش پاپ که ویتترین است، درآمدزایی داشته و می‌تواند بخش‌هایی از هزینه‌ها را پوشش دهد؛ ضمن این‌که در بحث‌هایی چون سائن نیز به دلایلی چون دولتی بودن کاربری آن، هزینه‌ها طوری نخواهد بود که سنگینی چندانی را ایجاد کند. تمام این گمانه‌ها در شرایطی مطرح است که عملکرد مدیران طی سال‌های اخیر، مطلوب ارزیابی می‌شود و آنها توانستند با کمترین امکانات و بودجه، جشنواره‌ای در شأن موسیقی کشور و فعالان آن برگزار کنند. بنابراین در شرایطی که پتانسیل و انگیزه لازم در این زمینه وجود دارد، سیاست‌گذاری‌ها باید به سمت و سویی پیش رود که دست مدیران جشنواره موسیقی در برگزاری یک رویداد مهم کشوری و بین‌المللی با باشد و آنها بتوانند از محل برگزاری چنین اتفاقی، دستاوردهای فرهنگی و استراتژیک لازم را به عمل آورند.

امیدواریم این رویکرد سازنده که مستحق هنر سازنده‌ای چون موسیقی است، برای سال آینده اعمال شود تا دست مدیران دفتر موسیقی در برگزاری یک جشنواره همه‌جانبه بین‌المللی که شاخه‌های مختلفی را پوشش می‌دهد، به مراتب از وضعیت فعلی بازر باشد.